

۲

تصدقه حضور مبارک کردم چند سال است که بشرارت و ظلم نایب حسین نراقی گرفتاریم

رعایای نراق

خودش و برادر و برادرزاده‌هایش هفده نفر همه شریرو بی‌باک و غدار نیابت نراق را از حکومت محلات و سایر البلوک بدادن پیشکش اجاره مینماید و از ما بیچارگان آنچه می‌خواهد می‌گیرد و آنچه باولایای دولت تنظیم نموده پیشکش اجاره مینماید و از جان یکمشت رعیت فقیر کوتاه نمایند بواسطه جناب حاجی میرزا نظام الدین پسر جناب آقای حاجی میرزا فخرالدین کاشانی در پیشکش حکومت چیزی زیاد میکند و مجدد بجان بیچارگان می‌افتد بیشتر از پیش استرداد مینماید، والله توانائی و نفس تمام رعایا را گرفته املاک مردم را تصرف مینمایند چرثت اظهار نیست بالوط‌های خودش که در دورش جمع هستند محصول و باغات و بوستان و گوسفند‌های مردم را می‌برند هرکس صبر کند و نفس نکشد در امان و هرکس بگوید و مدعی تصدی او بشود جمعیت اشرا با چوب و زنجیر هر یک بلباسی جرم میکند مردم بیچاره که پنجاه سال است صاحب آبرو و خانواده هستند اگر او را کردار زشت منع نمایند جان و مال او در معرض تلف می‌باشد من جمله هزار تومان مالیات را در این سند که سه مقابل عینا " و جیرا " زیادی گرفته است از عید هذبه لسنه تاکنون که حکومت هیچ محلی گرفته است در اینوقت حضور مبارک حضرت والا ظل السلطان تنظیم کردیم او را معزول فرمودند استدعا از حضور مبارک آنکه او را احضار فرموده تعدی‌های او را حضوراً ثابت نموده پس از معلوم احقاق حق این بیچاره مردم را بفرماید که مشغول دعاگوئی بوده باشیم

امر امر مبارک است

قربان آستان مبارکت گردم پنجمه است از نراق بطهران آمده خانه و اموال خود را مهر و موم نموده است.

خانه‌زاد شکرالله خان

از قراریکه از نراق سرستاند نایب حسین نراقی که سالها است از طرف جناب آقای میرزا باقرخان منشی باشی نایب نراق است که در شرارت انواع و اقسام تعدی و بی‌حسابی را نموده و مینسید و محض خاطر آنکه آقای منشی باشی خیلی رثوف و مهربان هستند تا کنون قبول تعدیات نایب مذکور را نموده تا حال که جان بلب رسیده و استبداد نایب حسین از حد گذشته و این روزها از جمله تعدیات او اینکه غلام پنجمه است با عیال بطهران بوده در ب‌خانه نراق مقفل نایب حسین رفته قفل او را شکسته مبالغی که هنوز معین نیست مخلفه و اشیاء غلام را برده برادر غلام خدمت مجتهد نراق با حضور جمعی از اهالی عرض نموده که از جناب نایب به پرسید که بچه مناسبت قفل درب خانه اخوی مرا شکسته و اشیاء او را برده در حضور جمع حکم نموده تو سری زیاد یا خوی زده و او را از مجلس بیرون کرده. در خصوص تعدیات و شرارت و استبداد این ظالم مکرر به آستان مبارک کتبا "وتلگرافا" معروف داشته و جمیع اهالی بستوه آمده اجماعاً "شکایت بعرض آستان مبارک حضرت مستطاب اشرف اقدس و الا ظل السلطان برده حضرت معظم‌الیه او را معزول از نیابت فرمودند حال از مگرم آستان مبارک آنکه امر و مقرر شود آن ظالم مستبد را که قریب سه هزار تومان تعدی نموده احضار فرمایند که حضوراً "رسیدگی فرموده احقاق حق این فقرا بشود که همه رعایا بواسطه این مرحمت کمال تشکرات و دعاگوئی را داشته و دارند. امر امر مبارک است.

مجلس شورای ملی ایران

سواد و خلاصه عرض عموم رعایا و کسبه گاشان

مورخه ۱۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ نمره ۳۹۰۶ هو

از گاشان

مکرر از تعدیات نایب حسین پشت مشهدی گاشانی و اتباع و بستگان او تظلم نموده ایم تا حال رفع ظلم او نشده و باعث جرئت و جسارت او گردیده بیشتر در صدد مزاحمت برآمده و علانیه ما را صدمه میزند و شب و روز با تفنگ گردش مینماید و در سرقات محمودآباد که اغلب محال شهر را مشروب مینماید باغ ساخته و آب ما را میبرد و علاوه نیمطاق آب روز یکشنبه را تصرف نموده اجاره میدهد و یکی از اهالی را که حسین نام نعلبند است صدمه

سختی زده بیم هلاکت را دارد استدعای رفع شر او و احقاق حق داریم .

بحکومت گاشان نوشته شده

مجلس شورای ملی ایران

سواد و خلاصه عرض رعایای نراق

مورخه ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ نمره ۴۴۱۳

از قم

نایب حسینخان سالهای متداریست که نیابت دارد و کمال خوش رفتاری و سلوک را با ما نموده است . این اوقات معاون الممالک بمعاونت با پسر اسباب زحمت و اذیت شده به نوعی که فرارا " بقم آمده متحصن شده ایم استدعای رفع شر اشرار و او را داریم .

سابقه حالات نایب حسین معلوم و حکم شده است حکومت گاشان او را بطهران بفرستد که در وزارت عدلیه معرف بعارضین رسیدگی شود .

مجلس شورای ملی ایران

سواد و خلاصه عرض غلام رضای ریخته‌گر و اصناف و عموم اهالی محله دروازه دولت مورخه

۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ نمره ۴۳۵۶

از گاشان

قاسم برادر عیال نایب حسین پشت مشهدی بخانه دعاگو آمده عیال مرا گشیده برده بحکومتی عارض شدم فراش فرستادم قاسم را گرفتند نایب حسین و پسرهایش در بازار دو نفر از فراشان حکومت را گرفته حبس نمودند و پیغامات سختی برای حاکم دادند که از ترس قاسم را رها کردند . برای خدا ترحمی بحال ما بیچارگان بفرمائید کاش یهودی بودیم و صاحبی داشتیم مگر دولت و ملت عجز از تنبیه اشرار دارند تحقیق و رسیدگی فرمائید اگر صدق عرض شده که رفع اشرار را فرمائید .

حکومت گاشان امریات سریعہ در احقاق حق عارض نموده از اشرار نمانبند

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۱۷۹۳۰ کارت ۲۹ دوسیه ۴

تاریخ خروج ۲۹ شهر ربیع الثانی

تلگراف به گاشان بتوسط رئیس تلگرافخانه گاشان نایب حسین
البتّه بعد از وصول این تلگراف فوراً " حرکت کرده بطهران آمده عارضین در دیوانخانه
عدلیه اعظم حضوراً " رسیدگی واحقاق حق شود هرگاه بطفره وتعلل بگذارید البتّه مسئول
ومورد مؤاخذه سخت خواهید شد. امضاء

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۱۰۷۱ گارتن ۲۹ دوسیه ۴

ضمیمه ۱ تاریخ خروج غره جمادی الاول

مدیرالسلطنه

شرحی بتوسط مجلس محترم شورای ملی مطابق ۳۹۹۱ در شکایت از نایب حسین و
ماشاءالله خان وسایر پسرهای او نوشته و اظهار داشته بودید رسید از تفصیل آن مستحضر
ومسبوق شدم خیلی محل حیرت وتعجب شد شما حاکم مقتدر هستید نیک و بد اینگونه امور
از چشم شما دیده میشود هرکس خلاف کند تنبیه نموده مجازات دهید نایب حسین که
احضار شده البتّه سریعاً " او را روانه طهران نمائید که با اشخاصیکه طرف هستند در
دیوانخانه عدلیه اعظم حاضر شود که رسیدگی واحقاق حق شود ماشاءالله خان رانیز
صریحاً " بگوئید که ترک اینگونه حرکات را نماید.

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت ۲۱۸۷۸ گارتن ۲۹ دوسیه ۴

تاریخ خروج دهم شهر جمادی الاولی ۱۳۳۵

به نواب والا شاهزاده نیرالدوله فرمان فرمای مملکت اصفهان

در باب عارضین گاشانی که از تعدی وسوء رفتار نایب حسین پشت مشهدی شکایت
دارند و بحکومت گاشان حکم شده بود که او را برای رسیدگی بعراض متظلمین بدار الخلافه
روانه دارد از قرار معلوم مشارالیه با اینکه طرف شکایت جمعی است خود رادخیل‌گار
قراسورانی طرق وشوارع آنحدود نموده وباین بهانه ودست آویز در آمدن بطهران مسامحه
مینماید وباین ترتیب وجود خود را در آنجا محل احتیاج قرار داده نواب مستطاب والا که
باصفهان تشریف می‌برید بعد از ورود به گاشان عمل قراسورانی آنحدود را از مشارالیه خلع
کرده بپذیری که دارای صحت عمل باشد واگذار ودست او را بکلی از این‌کار کوتاه بفرمائید
واگرمقتضی باشد از آنجا تلگرافاً " ویا کتبا " قرار عزل او ونصب دیگری را بدهید که زودتر
این بهانه از دست او خارج شود. (ادامه دارد)